

رقابت بر سر اطلاعات

- نظارتی که طراحان سیستم های اطلاعات بر نظام ها دارند را مدیریت اطلاعات گویند. این تلقی نشان می دهد که اطلاعات دولتی در انحصار منبع است و قابل دسترسی نیست. وجود فقر فزاینده اطلاعات در کشورهای جهان سوم، آنها را در چالشی دیگر، مرعوب برتری کشورهای توسعه یافته کرده است. زیرا اطلاعات در اکثر دولتهای جهان سوم، به سهولت قابل دسترسی نیست.

اولویت اطلاعات در کشورهای غربی

■ با وجود سرمایه گذاری گسترده در کشورهای صنعتی، اکثر دولتهای جهان سوم، توان اقتصادی و سرمایه گذاری در زمینه های تجهیز، استفاده، کاربرد و آموزش سیستم های اطلاعاتی را ندارند. این برتری اطلاعاتی مرهون تولید، سازماندهی، بهره وری و مدیریت اطلاعات است و ناشی از اولویت عنصری به نام اطلاعات در کشورهای غربی است.

زیرساختهای اطلاعاتی

- در اکثر کشورها ، به خصوص در کشورهای جهان سوم، علاقه چندانی نسبت به ایجاد زیرساختهای اطلاعاتی مشاهده نمی شود. این امر موجب می شود که جریان یکسویه اطلاعاتی شکل بگیرد و جهان سوم به طور عمده مصرف کننده باشد.

جریان غیر متوازن

■ جریان اخبار از کشورهای توسعه یافته نسبت به جهان در حال توسعه، هم از نظر محتوا و هم از نظر حجم، جریانی غیر متوازن است. خبرگزاری های غربی، آگاهانه به وقایعی نظیر بحران و درگیری های جهان سوم توجه بیش از حدی نشان می دهند و در صورت وقوع این حوادث در کشورهای توسعه یافته آن را نادیده می گیرند...

بازاریابی منابع اطلاعاتی

■ پیشرفت های فن آوری که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته حاصل آمده است، کسب، نگهداری و بازاریابی مقادیر بیشتری از منابع اطلاعاتی را به نحوی صحیح تر و با سرعت بیشتر امکان پذیر ساخته است.

مدیریت منابع اطلاعاتی

■ دانش و اطلاعات مربوط به منابع خاک، هوا، پیشرفت های فنی و اوضاع بازار، امتیازهای فراوانی را در اختیار کشورهای برخوردار از این اطلاعات قرار داده است و این امر موجب شده تا بخش عظیمی از منابع اطلاعاتی اعم از طبیعی و صنعتی توسط بخش کوچکی از جهان مدیریت گردد.

یک نمونه

■ به عنوان مثال :

90% از مجموعه اطلاعات و داده هایی که در پایگاههای اطلاعاتی در سراسر دنیا نگهداری می شود متعلق به آمریکا است و دست کم 50% از سهم ارتباطات در کشورهای توسعه یافته به شرکت آی.بی.ام (IBM) تعلق دارد.

راهبرد پوشش دفاعی اطلاعات

■ جریان اطلاعات در کشورهای موسوم به جهان سوم ، با وضع قوانین امنیتی ، به شدت کنترل شده و از انتشار آن جلوگیری می گردد. از این رو کشورهای توسعه یافته بنابه دلایل پیش گفته، هجوم اطلاعاتی خود را تشدید کرده اند که باید کشورهای جنوب در کوتاه ترین زمان ممکن نسبت به اتخاذ راهبرد پوشش دفاعی اطلاعات اقدام نمایند.

توسعه جامعه اطلاعاتی و زوال فاصله ها

توسعه "جامعه اطلاعاتی" در هر جامعه ای می تواند به "عقلانیت" و "انسجام اجتماعی" منجر شود. با بومی کردن "جامعه اطلاعاتی" "گسل ها و گسست های تاریخی و فرهنگی، گسل های اجتماعی، فاصله و شکاف میان شهرها و روستاهای دور دست در پهنه گسترده کشورها و تفاوت میان نسل ها کمتر می شود و این امر می تواند "زوال فاصله ها" را در پی داشته باشد.

جامعه شبکه ای و عصر ایدئولوژی

"جامعه شبکه ای" پدیده ای جدید است، تاریخ آن در اروپا به قرن هجدهم میلادی باز می گردد. آرماند متلارت در کتاب شبکه ای کردن جهان: از سال 1794 تا 2000 می نویسد که دموکراسی و لیبرالیسم با هدف اقتصاد تجارت جهانی دو پروژه اصلی بودند که پایه های این پدیده در قرن هجدهم گذاشته شده است.

اختراع تلگراف

- اختراع تلگراف در سال 1794 با وعده های دموکراسی و پیشرفت همراه بود. با اختراع تلگراف الکترونیکی در سال 1835، تکنولوژی تلگراف که قبلاً در اختیار دولت بود، عمومی شد. در کل ارتباط راه دور همراه بود با استانداردیزه شدن و تفکر بازار که مبلغ جریان آزاد اطلاعات در سطح بین الملل بود.

هژمونی استعماری بر وسایل ارتباطی

■ راه آهن و نیاز کنترل ترافیک آن و همزمان کردن زمان بر اساس ساعت گرینویچ از عواملی بود که در برهان سرمایه داری مدیریت در اروپا نقش داشت. در قرن نوزدهم، هژمونی استعماری انگلیس بر وسایل ارتباطی، منجمله کابل های زیر دریایی که توسط شرکت های خصوصی انگلیسی که در مستعمرات مستقر بودند متکی بود. امریکا و آلمان هم در اواخر قرن نوزدهم کابل های خودشان را راه انداختند.

بهبود ارتباطات و دموکراسی

این اتفاقات با گفتمانهای بخصوصی همزمان بود. در حقیقت نظریه **Chevalier** (شاولیه) که می گفت بهبود ارتباطات به دموکراسی می انجامد و شبکه ها نجات دهنده نسل بشر هستند، اساس بین المللی کردن خطوط راه آهن، کشتی رانی و کانالها بود.

گفتمانهای نوین

■ گفتمانهای بیولوژیک در مورد تکامل و "موجود زنده" و گفتمانهای موجود در مورد مرزهای طبیعی دیدگاه ها را به تقسیم بین المللی نیروی کار بسط دادند و از وسائل ارتباطی و حمل و نقل به عنوان "ابزار تمدن" استفاده کرده و به این ترتیب به گسترش استعمار اروپا که از اواخر قرن شانزدهم شروع شده بود کمک کردند.

مدرنیزاسیون و ارتباطات

- در قرن بیستم هم رادیو - که تا آخر جنگ جهانی اول انحصاراً در دست ارتش بود- شکل بین المللی گرفت و امریکا در عرصه ارتباطات پیشی گرفت. در جنگ جهانی دوم و طی جنگ سرد، ارتباطات نقش پروپاگاندا گرفت و توسعه در زمینه هم با مدرنیزاسیون معنی شد .

پیدایش تکنولوژی کامپیوتر

■ مسابقه "پیش افتادن در زمینه تکنولوژی فضایی" بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا به پیدایش تکنولوژی کامپیوتر منجر شد و امریکا که از فرستادن اولین ماهواره از جانب شوروی (اسپوتنیک) به فضا عصبی بود، "آپرا" و یا آژانس پروژه های تحقیقاتی پیشرفته (که بخشی از وزارت دفاع امریکا بود) را راه اندازی نمود.

شبکه نوین بدون مرکز

با وجود اینکه "ماشین های باهوش" (پدربزرگ کامپیوتر) از زمان جنگ جهانی دوم به شکستن کد و رمز دشمن مشغول بودند، در سال 1962 بود که نیروی هوایی امریکا شرکتی به نام "رند" را ایجاد کرد تا بتواند یک شبکه نوین بدون مرکز برای تحقیق و توسعه ارتش بسازد که بمبهای اتمی نتواند آن را از بین ببرند (پدربزرگ اینترنت).

اطلاعات به عنوان ارقام ریاضی

- تئوری ارتباط ریاضی کلاود شنون (1949) که برای شرکت مخابراتی "بل" کار می کرد و در پی یافتن بهترین کد تلگرافیک بود، زمینه را برای استفاده از واژه "اطلاعات" به عنوان ارقام ریاضی و استفاده ابزاری آن آماده کرد.

مرگ ایدئولوژی

■ در طی جنگ جهانی دوم، علوم اجتماعی به همراه سیاست‌های جغرافیایی و گفتمان‌های پیش بینی آینده، از مقوله "جامعه اطلاعاتی" استفاده کردند و آن را "مرگ ایدئولوژی" و سیاست نامیدند. دانیل بل در کتاب "پایان ایدئولوژی" در سال 1973 ادعا کرد که جامعه پسا صنعتی به جامعه "اطلاعاتی و دانش" راه دارد و طی پیشگویی آینده نگرانه اش، آن را به عنوان مرگ ایدئولوژی و سیاست ستود.

تغییر شیوه حکمرانی از استعمار به مدیریت

■ قبل از دانیل بل هم این تفکر از زمان جنگ جهانی دوم و "انقلاب مدیریت" ، در حال شکل گیری بود (یعنی تغییر شیوه حکمرانی از استعمار به مدیریت). برای مثال، در کنفرانس "آینده آزادی" که در میلان در سال 1955 از جانب کنگره " آزادی فرهنگی " برقرار شد (که پولش را سازمان سیا تامین می کرد)، روند و دیدگاه آینده گرا در دست ساخت و پرداخت بود.

جامعه دارای سلسله مراتب

■ با وجود اینکه جامعه اطلاعاتی تصور شده توسط بل، جامعه ای بود که توسط نخبگان مسلط به علم اداره می شد و جامعه علمی دارای قدرت در آن فارغ از ایدئولوژی بود، این جامعه دارای هیرارشی بوده و توسط

دولت مرکزی (Central welfare state) مانیتور می شد.

درآمد با پیشگویی بر اساس اطلاعات

■ این امر همزمان بود با بحران سرمایه داری و شکل گرفتن حکمرانی نئولیبرال. اما مقوله "جامعه اطلاعاتی" از بین نرفت و توسط شرکت هایی که پیشگویی بر اساس اطلاعات را وسیله درآمد کردند استفاده گردید و به بخشی از برنامه های تحقیقی دولت ها و نهادهای بین المللی تبدیل شد.

بازگشت به مدرنیزاسیون

■ با تعدیل (دی رگوله) شدن صنعت ارتباطات، شرکتهای جهانی بیش از پیش به تکنولوژی اطلاعات متکی شدند. چرا که باید داد و ستدهای فراملی خود را در زمان حقیقی انجام می دادند. به قول متلارت، گفتمانهای جهانی شدن که تکنوتوپیا هایی که در آن نابرابری به اسم "انسجام اجتماعی" از بین می رود را به تصویر می کشند، یکنوع بازگشت به مدرنیزاسیون است که تسلط اقتصادی و سیاسی را به اسم مصرف کننده فراملی دارای شیوه زندگی همگون پنهان می کند.

جامعه اطلاعاتی به عنوان دیپلماسی

■ از حدود سالهای 1960، مقوله جامعه اطلاعاتی به عنوان دیپلماسی استفاده می شود و دولت امریکا با افتخار به اینکه اولین جامعه اطلاعاتی است، دم از انقلاب اطلاعاتی و عصر اطلاعاتی می زند.

انقلاب اطلاعاتی

■ "انقلاب اطلاعاتی" فرمی از حکمرانی نئولیبرال است (حکمرانی نئولیبرال تنها اقتصادی نیست، بلکه به اداره شیوه زندگی فرد می پردازد و خود را با ارزشهایی همچون آزادی و دموکراسی در یک بسته ارائه می کند)، که هدف آن جامعه اطلاعاتی (جمعیت) است. جالب آن است که بر خلاف ادعاها، این "انقلاب" خالی از ایدئولوژی نبوده و در واقع به مواضع سیاسی - جغرافیایی مرتبط است.

سلطه دنیای نو

این ایدئولوژی نوین، زمانی در قالب استعمار و گاهی هم تحت عنوان "دیپلماسی" رخ نموده است. یک نمونه آن، فضای فرا - جغرافیایی اینترنت است که آنچنان هم فاصله ها را کم نمی کند، بلکه فاصله دیجیتال بزرگی بین دارا ها و ندارهای اینترنت موجود است که یکنوع سلطه دنیای نوین ارتباطات را برپا کرده است.

حقیقت زندگی در جهان سوم

■ در سطح ملی هم، گویی در بسیاری از کشورها وجوامع "انسجام اجتماعی" چنین سلطه و تکنوتوپیایی را در سر می پروراند. ما هر قدر هم بخواهیم از انسجام اجتماعی از طریق جامعه اطلاعاتی سخن بگوییم، حقیقت زندگی بسیاری از مردم کشورهای جهان سوم این است که نه می دانند وبلاگ محیط مجازی چیست؟ و نه در عمرشان کامپیوتر دیده اند.

محو شدن گسل ها و گسست های تاریخی

■ پس، هنوز به طور دقیق معلوم نیست که با بومی کردن "جامعه اطلاعاتی"، این مقوله تاریخی، یعنی محو شدن "گسل ها و گسست های تاریخی و فرهنگی و گسل های اجتماعی و فاصله و شکاف میان شهرها و روستاهای دور دست در پهنه کشورها کمتر شود.